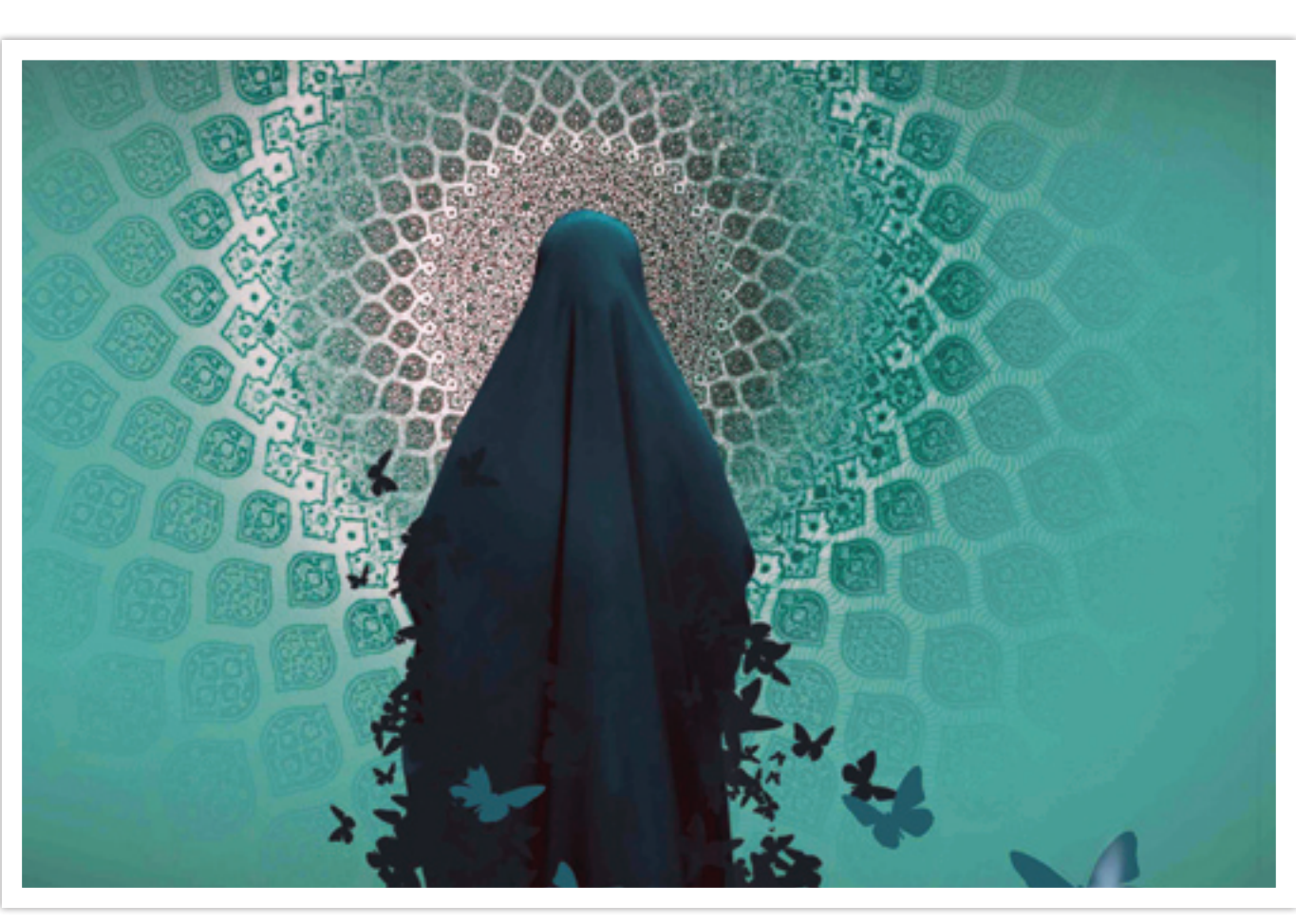


واکاوی مسئله حجاب در گفت‌وگو با قائم مقام رئیس هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی نقد و مناظره

نتوانستیم جریان عفاف را همسو با حجاب به‌پیش ببریم

در بخش مطالعات پژوهشی مربوط به حجاب و پوشش دچار آسیب هستیم



بی‌تردید حجاب یکی از بارزترین نمادهای یک جامعه اسلامی است. یک زن با نوع پوشش خود در یک نگاه ایدئولوژی، جهان‌بینی و سبک زندگی‌اش را معرفی می‌کند. شاید همین مسئله هم کلیدی‌ترین موضوعی است که حجاب را در جامعه ما به یک چالش تبدیل کرده و مسئله حجاب و نوع پوشش به پرسامدترین موضوع در همه‌های دنیسای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و یکی از محوریت‌ترین برنامه‌ها در طرح‌های برانداختن علیه کشورمان است که برای اجرایی شدن آن میلیاردها دلار هزینه می‌شود. با تمام اینها نمی‌توان ضعف‌های داخلی در تبیین و اقعان زنان و دختران به خصوص نسل‌های تازه‌را در خصوص مسئله حجاب نادیده گرفت. واقعیت این است که در بیش از چهار دهه عمر انقلاب، نهادهای فرهنگ‌ساز و ذائقه‌ساز کشور با وجود فراهم بودن بسترهای قانونی و وجود تربیون

و رسانه عملکرد قابل‌قبولی در این حوزه از خود به‌جای نگذاشته‌اند. با تمام اینها اما با همه‌گسترده‌ای برای تغییر سبک زندگی اسلامی مواجهمیم و از آنجا که حجاب یکی از بارزترین نمادهای این نوع سبک زندگی است، پس دنیای غرب برای زدودن این نماداسلامیت از جامعه و قطع انتقال نسلی ارزش‌های اسلامی بین نسل‌های پیشین و نسل‌های جدیدتر، تمام هم و غمش را به کار خواهد گرفت. بر این اساس است که عبدالکریم بهجت‌پور، قائم مقام رئیس هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی نقد و مناظره و دانشسپار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» اگرچه بر مسئله تعمیق باورها و تقویت نگاه جامعه به مسئله عفاف و پاکدامنی به عنوان پیش‌نیاز پذیرش حجاب تأکید می‌کند اما در عین حال معتقد است اقعان به تنهایی در جایی که فضا، فضای ارزش‌ها نباشد، نتیجه نمی‌دهد.

در بخش مطالعاتی دچار ساده‌بینی می‌شویم و دقیقاً مراد دین و منابع اسلامی را تلقی نمی‌کنیم، به طور طبیعی در تبیین، ترویج و تبلیغ رفتار آسیب می‌شویم، یعنی تلاش‌های ما کم‌ثمر و گاه حتی بی‌ثمر می‌شود.

پژوهشی مربوط به حجاب و پوشش دچار آسیب هستیم، وقتی در بخش مطالعاتی دچار ساده‌بینی می‌شویم و دقیقاً مراد دین و منابع اسلامی را تلقی نمی‌کنیم، به طور طبیعی در تبیین، ترویج و تبلیغ رفتار آسیب می‌شویم، یعنی تلاش‌های ما کم‌ثمر و گاه حتی بی‌ثمر می‌شود.
شما می‌گویید در بخش پژوهش در حوزه حجاب و پوشش دچار آسیب هستیم اما به نظر می‌رسد ما حجم گسترده‌ای از مطالعات را در زمینه حجاب و عفاف داشته‌ایم. اشکال این مطالعات چه بوده که نتوانسته است به هدف خود، یعنی ترویج عفاف و حجاب در جامعه منتهی شود؟

بنده از آنجا که دو اثر در این زمینه دارم؛ یکی کتاب روش‌های نهادینه‌سازی پاکدامنی یا استفاده از قرآن و دیگری روش فرهنگ‌سازی پوشش اسلامی، می‌خواهم چند نکته را عرض کنم. ببینید در فضای ترویجی، تبلیغی و حتی آموزشی اتفاقی که افتاده این است که عفاف و پوشش را لازم و ملزوم و بلکه یکی با یکدیگر گرفته‌اند. این در حالی است که از نگاه منابع اسلامی جریان پاکدامنی و حیا یک جریانیت است و جریان پوشش اسلامی جریانی دیگر.

اما چگونه می‌توان جریان پاکدامنی و حیا را از جریان پوشش اسلامی جدا دانست؟

توضیحش اینکه در آموزه‌های قرآنی سال‌ها برای پاکدامن شدن جامعه اسلامی یا مسلمانان و مؤمنان تلاش شده است و شاید بیش از ۱۰۰ آیه به مسئله پاکدامنی و برهیز از انحراف جنسی توجه کرده است. در سوره‌هایی که از همان آغاز رسالت پیامبر(ص) نازل می‌شود تا تقریباً انتهای نزول قرآن، در ۱۴ سوره مرتب مسئله پاکدامنی، رعایت عفت عمومی و امثال آن مطرح می‌شود و تلاش شده است جامعه و زیست‌ما یک زیست‌عقیفانه شود. در عین حال نزدیک ۱۸،۰۱۷ سال از آغاز رسالت پیامبر(ص) گذشت تا سوره احزاب نازل شد که نودمین سوره قرآن است و تازه در این سوره مسئله حجاب یا پوشش‌سسر که همان جلباب است مطرح شده است، اما مسئله حجاب یا پوشش به عنوان یک نشانه برای زن صادر روی سرشان نیست اما همین خانم‌ها عقیف هم هستند، یعنی آیا تمام زنان بی حجاب دنیایی عفتند یا بی‌حیا هستند؟ قطعاً اینطور نیست.

قرآن آمد به زنان مسلمانی که زنانی عقیف هستند و به زنان وابسته به جامعه مسلمین دست‌نور داد جلباب را روی سر خودشان قرار دهند، طوری که از دیگر زنان تشخیص داده شوند و به وسیله این کار زن مسلمان را معرفی کرد و گفت این زن مسلمان زنی است که شما باید او را به عفت و پاکدامنی بشناسید و به همین دلیل

آقای بهجت‌پور، ارزشیابی شما از وضعیت کنونی جامعه از منظر عفاف و حجاب چیست و چرا در چنین شرایطی قرار گرفته‌ای؟

مسئله عفاف و حجاب دو جریان موازی و البته مرتبط باهم هستند. وضعیت کنونی جامعه مناسب نیست. دلیل عمده این ماجرا هم این است که یک خلأتبیینی بسیار جدی‌حی‌اتی برای قشر متدین جامعه وجود دارد و آنها از نظر قدرت اقعان‌شدگی یا اقعان کردن دیگران چنان که باید تقویت نشده‌اند. این خلأاقعانی باعث شده است پدر و مادر نتوانند فرزندشان را که در معرض جریان‌های مقابل همچون فضای مجازی قرار می‌گیرند، قانع کنند تا آنها بداندن مصلحت‌شان چیست، اما این جریان یک بخش دومی هم دارد؛ اینکه دشمن روی به‌هم‌ریختگی فضای اخلاقی و اجتماعی در ایران تمرکز کرده و تمام تلاشش این است که بتواند به‌خصوص نسل‌های جدید و زنان و جوانان را از همراهی با مسیری که قاطبه نسل گذشته داشته‌اند، فاصله بدهد. این تلاش در بخشی از اقعشار تأثیر خودش را گذاشته است، بنابراین خلأتبیین از سویی و تمرکز دشمن بر ایجاد بستر غیراخلاقی در جامعه از سوی دیگر، موجب گرفتن حجاب از سر زنان و دختران ما شده است.

اما ما در طول ۴۰سال انقلاب اسلامی تربیون، رسانه و ابزار و نهادهای فرهنگی متعددی داشته‌ایم، و به نظر می‌رسد با کم‌کاری در داخل کشور مواجهمیم؛ مسئله‌ای که موجب شده است تلاش‌های دشمن در مسئله حجاب مؤثر واقع شود. نظر شما در این باره چیست؟

بله حتماً همین‌طور است. اگر ما از درون انسجام ذهنی نداشته باشیم و از درون اقعان کافی صورت‌نگرفته‌باشد، تحت تأثیر جریان دشمن از بیرون قرار می‌گیریم. مثل یک بدن ضعیف که در مواجهه با ویروس‌ها و میکروب‌ها متأثر می‌شود و آسیب می‌بیند.

شما دلیل این خلأاقعان را چه می‌بینید؟ بیش از ۴۰سال از انقلاب می‌گذرد اما دستگاه‌های فرهنگی و ذائقه‌ساز ما نتوانسته‌اند در تبیین، اقعان و تعمیق باوری همچون حجاب موفق عمل کنند، حتی ما قوانین متعددی هم در این حوزه داریم؛ قوانینی همچون مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره بحث‌های ایجابی حجاب تمرکز دارد و برای ۲۶ دستگاه تعیین تکلیف داشته است و هم قوانین سلبی همچون قانون مجازات اسلامی که مجازات‌هایی را برای بر خورد با بدحجابی یا بی‌حجابی در نظر گرفته است. با تمام اینها چرا همچنان ما در جامعه با مشکل حجاب دست و پنجه نرم می‌کنیم؟

تبلیغ، ترویج و تبیین نیازمند پشتوانه‌ای است که آن پشتوانه یک مطالعه دقیق و عمیق نسبت به مقولات فرهنگی است. به نظر من آنچه شاید نقطه آسیب باشد این است که ما در بخش مطالعات

متعرض نشوید، یعنی این زن حرمتی دارد و این حرمت اقتضا می‌کند رفتارهایی که با دیگر افراد در جنس‌های مخالف می‌شود، با اینها صورت‌نگیرد. پس مسئله عفاف موضوعی است که سال‌ها روی آن کار شده است تا جامعه، جامعه‌ای پاکدامن شود و بعد از اینکه زمینه به خوبی فراهم یا یک ظرفیت مناسب ایجاد شد،

به دنبال این ظرفیت خداوند فرمود زنان مسلمان این پوشش را داشته‌باشند تا تشخیص داده شوند و دیگران متعرض‌شان نشوند، بنابراین پوشش اسلامی معرف زن متشخص و محترم مسلمان است با یکسری ویژگی‌ها از جمله پاکدامنی، حجاب آمد تا این را معرفی کند. اشتباهی که در این سال‌ها صورت گرفته این است که ما می‌خواهیم به وسیله پوشش‌سسر و حجاب تلاش کنیم پاکدامنی ایجاد کنیم، در حالی که مکتبیسیم ایجاد پاکدامنی راه دیگری است که قرآن ما را در این زمینه راهنمایی و راهبری کرده است.

این مکتبیسیم ایجاد پاکدامنی در جامعه اسلامی از منظر قرآن چیست؟

مثلاً در سوره قرآن که از سوره‌های مکی است، خداوند می‌فرماید



دشمن می‌داند انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ایدئولوژیک است. بر این اساس دشمن تلاش می‌کند این اعتقادات و ایدئولوژی و هر چه نماد این اعتقادات است را از جامعه بگیرد، چون اینها قدرت تأثیرگذاری انقلاب را دیده‌اند، انواع حربه‌ها را به کار برده‌اند. شخصیت امام و مقام معظم رهبری را بسابن لادن و ملاعمر و شخصیت جامعه اسلامی را با داعش و سلفی‌ها تضعیف و تخریب کرده‌اند. در واقع آنها می‌کوششند به جای نمایش تصویر واقعی از جهان اسلام، تصویرسازی‌های موازی و خیالی را روایت کنند

عبدالرحمن چند کار بد را انجام نمی‌دهند، از جمله اهل آمیزش و روابط جنسی خارج از خانواده نیستند. این از طریق بندگی خدایی که ما او را به عنوان بخشنده همه نعمت‌ها شناخته‌ایم، حاصل می‌شود. راه پاکدامنی این است، راه این نیست که بخوایم روسری سر افراد کنیم. اینها موضوعاتی است که باید در مطالعات پژوهشی مورد توجه قرار گیرد. ما باید جامعه نوپاگان، جوانان و دختران‌مان را هم با مقوله پاکدامنی و هم با مقوله پوشش و اینکه پوشش معرف شخصیت اوست، آشنا کنیم. امروز در دنیا جنگ، جنگ تشخیص هاست. غرب به دختر، پسر و خانواده‌ما یک تشخیص می‌دهد و اسلام هم تشخیصی دیگر، وقتی ما در این جنگ تشخیص‌ها نتوانیم زیرساخت‌های شخصیت اسلامی را به فرزندان‌مان بدهیم، نسل‌های بعد با نسل‌های گذشته همراهی نمی‌کنند. نتیجه‌اش می‌شود اینکه مادر با چادر و حجاب کامل بیرون می‌آید و دخترش کنارش با الگوی از لباس ظاهر می‌شود که شاید آن مادر یا پدر که در کنار فرزندش قدم می‌زند، از این نوع الگوی پوشش شرمندہ باشد اما هیچ کاری هم نمی‌تواند انجام دهد.

و شمار نشنه این مسئله را در این می‌بینید که پیش‌نیاز بحث حجاب شکل‌گیری باورهای ذهنی فرزندان ما در حوزه عفاف است و تا زمانی که این باورها در ذهن فرزندان ما شکل‌نگیرد، حجاب را نمی‌پذیرند. درست است؟

یکی از مسائل این است که خود حجاب هم یک مکانیسیمی دارد که نیازمند یک زیرساخت ۱۰ ارزشی است. ۱۰ ارزش باید شکل بگیرد و با شکل‌گیری این ارزش‌ها پذیرش و درونی‌سازی پوشش اسلامی مسئله بسیار ساده‌ای است و ما باید روی این ارزش‌ها کار کنیم.

آن ارزش چیست؟

بر مبنای آیه ۲۵سوره احزاب این ۱۰ویژگی شامل تسلیم کامل در برابر خدا، ایمان و باور به جهان غیب، فرمانبری عملی، صبوری و شکیبایی در میدان‌های مختلف و پای‌تکالیف، خضوع در برابر امر الهی، اهل صدق بودن، اهل صدقه بودن و قدرت گذشت از داشته‌ها برای اثبات بندگی خدا، اهل روزه بودن و قدرت کنترل نفس و تقوا داشتن که نتیجه روزه است. پاکدامنی و کنترل در برابر شهوات اهل ذکر و مرتب به یاد خدا بودن است. باید حد قابل‌قبولی از این ارزش‌ها در جامعه و خانواده‌های ما پذیرفته شده باشد و با پذیرش این ارزش‌ها، قبول مسئله حجاب بسیار سهل و آسان خواهد بود. شما ببینید خانم‌هایی که از مسئله حجاب بافصله می‌گیرند، نسبت به این ارزش‌ها وضعیت‌شان چطور است، آیا نسبت به این ارزش‌ها نمره مناسبی می‌گیرند، آیا اینها اهل بندگی خدا، اهل روزه و فرمانبری کامل از خدا هستند؟

اما بعضاً هستند خانم‌های غیرمجببه‌ای که نماز می‌خوانند یا روزه می‌گیرند؟

اینها اول راه است و یک به یک عقب برده می‌شوند. از سوی دیگر باید این مسئله را نوعی و قالبی دید، به این معنا که نوعی و قالبی کسانی که حجاب را کنار گذاشته‌اند، این ارزش‌های اسلامی را ندارند و چون در این زمینه‌ها رشد نکرده و شکست خورده‌اند، دیگر حجاب برای‌شان قابل توجه نیست، چون شخصیت دینی لازم را ندارند یا در آنها بسیار کم‌شو شده است. ما باید این ۱۰ویژگی را در جامعه تقویت و تثبیت کنیم و با تثبیت این ویژگی‌ها در جامعه، خود به خود امر پوشش پذیرفتنی می‌شود، اما وقتی دختر ما در جامعه از نظر فکری جهت فکری‌اش به سمت شخصی رفته که از فرهنگ غربی وام گرفته شده است و به او اینگونه القا می‌شود که با چنین ویژگی‌هایی یک شخصیت اجتماعی محسوب می‌شوید، در چنین حالتی حجاب را نمی‌پذیرد، زیرا برایش سؤال است چرا باید من زیبایی‌هایم را که یک تشخیص اجتماعی به من می‌دهد، پنهان کنم و چرا باید روز خودم یک حصار بکشم.

سیاسی شدن موضوع حجاب را چقدر در این زمینه مؤثر می‌دانید؟

دشمن مسئله حجاب را برای شکاندن ارزش‌های ده‌گانه‌ای که عرض کردم مورد توجه قرار داده است. دشمن می‌داند انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ایدئولوژیک است. بر این اساس دشمن تلاش می‌کند این اعتقادات و ایدئولوژی و هر چه نماد این اعتقادات است را از جامعه بگیرد، چون اینها قدرت تأثیرگذاری انقلاب را دیده‌اند، انواع حربه‌ها را به کار برده‌اند. شخصیت امام و مقام معظم رهبری را با لادن و ملاعمر و شخصیت جامعه اسلامی را با داعش و سلفی‌ها تضعیف و تخریب کرده‌اند. در واقع آنها می‌کوشند به جای نمایش تصویر واقعی از جهان اسلام، تصویرسازی‌های موازی و خیالی را روایت کنند. در مسئله پوشش اسلامی هم آنها می‌بینند باید نماد اسلامی را از جامعه بکنند و کنار بگذارند. مادران شهید چادری‌ها و پوشیده‌ها هستند. زنان ایثارگر ما پوشیده‌ها هستند، پس دشمن در تلاش است این نمادها و ریشه‌ها را از جامعه بگیرد. وقتی دین در جامعه قدرتمند باشد، بسیاری از نسل‌های جدید و نوپاگان حتی اگر در فضای اقعانی رشد نکرده باشند اما تحت تأثیر فضای مذهبی و دینی در سبک زندگی دینی قرار می‌گیرند. در حال حاضر تلاش دشمن بر این است که این نماد اجتماعی را به هم بریزد. وقتی این نماد اجتماعی فروریخت، ما ناگزیریم سرما باید نماز اسلامی را از جامعه بکنند و کنار بگذارند. مادران جایی که فضا، فضای ارزش‌ها نباشد، نتیجه نمی‌دهد. در حال حاضر می‌خواهند ما را به شرایط قبل از انقلاب ببرند و این هنجار را از ما بگیرند تا انتقال بین نسلی و پذیرش ارزش‌های دینی از سوی نسل بعد به شدت آسیب ببیند و کند شود. در این میان فضای مجازی جوانان را به سمت پاکدامنی و پوشش اسلامی رانده تنها کند که معکوس کنند، بنابراین مسئله حجاب برای دشمن به عنوان یک نماد اجتماعی بسیار مهم است. اگر دشمن بتواند دین را از جامعه بگیرد، امکان اصلاح اجتماعی، انتقال بین نسلی و سبک‌سازی فرهنگی بسیار سخت خواهد شد و دشمن فرصت خواهد کرد سبک زندگی خودش را با سبک زندگی اسلامی جایگزین کند.

زنان

سرویس اجتماعی، ۸۸۴۹۸۴۰

دوشنبه ۲۱ فروردین ۱۴۰۲ | ۱۹ رمضان ۱۴۴۴ |

بیشترین



«ماه و پروین» روایتی دیگر

از عاشقانه‌های دوران دفاع مقدس

مطالعه زندگی مردان و زنانی که در سال‌های پرالتهاپ جنگ هشت‌ساله ایران و عراق جان خود را قربانی آرمان‌های‌شان کردند، بیش از هر چیز یادآور مسئله‌ای است که گاه در آذهان عمومی مغفول می‌ماند: آنها جوانان و سالمندانی بودند مثل ما، با مشکلات، ترس‌ها، امیدها، عاشقانه‌ها و آرزوهایی که هر یک از ما مشابه آن را در زندگی خود تجربه کرده‌ایم. شهید جلال‌الدین ذوالقدر که بازخوانی بخش‌هایی از زندگی او را در کتاب صوتی ماه و پروین می‌شنویم نیز از این قاعده مستثنی نبود. او نیز همچون بسیاری از ما عشقی بزرگ و ارجمند را در سینه داشت و با وجود این، جانبازانه به میدان نبرد رفت تا جان خود را در راه آرمان والايش فدا کند.

روایت این عشق را از زبان همسر شهید در این کتاب صوتی می‌شنوید.

شهید جلال‌الدین ذوالقدر در مهرماه سال۱۳۳۸ در روستایی واقع در توابع شهر تاکستان چشم به جهان گشود. ۳۳سال داشت که ازدواج کرد و زندگی مشترک خود را با خدیجه برپینچی در ابتدای سال‌های جوانی آغاز کرد. حاصل این ازدواج یک دختر بود و دریایی از خاطرات شیرین و گاه غمبار که پس از شهادت او به رشته تحریر درآمدند و بخشی از آنها را در کتاب صوتی ماه و پروین می‌شنوید. تنها یک سال از ازدواج عاشقانه این شهید گذشته بود که در امرالصاص عراق بر اثر اصابت گلوله به درجه شهادت نائل آمد.

زینت‌السادات موسوی و مهناز حیدری مصاحبه با همسر این شهید پاکباز را ترتیب داده‌اند و در نهایت مستندی داستانی و مکتوب از زندگی شهید ذوالقدر در قالب کتابی گویا به همت نشر صوتی سماوا و انتشارات سوره مهر منتشر شد.

خدیجه برپینچی، همسر شهید جلال‌الدین ذوالقدر در کتاب صوتی ماه و پروین پای میز مصاحبه‌ای دلنشین با زینت‌السادات موسوی و مهناز حیدری نشسته است و روایت زندگی عاشقانه خود را با همسر شهیدش بازگو می‌کند.

در بخشی از کتاب ماه و پروین می‌خوانیم:

بین خواهران حاج داوود، به شهبین جان حس نزدیکی خاصی داشتم. همسر من هم باسادر بود و وجهه می‌جنگید. می‌دونستم دلشوره شوهرش رو داره. دم غروب دست روی شکم می‌ذاشت و به بهانه پیاده‌روی سلاسه‌سلانه تو حیاط قدم می‌زد و اینجوری حس دلنتگی و نگرانیش رو می‌پوشوند اما این بهانه‌ها نمی‌توست منو فریب بده. می‌فهمیدم جسش تو این خونه‌ست و روحش هزاران کیلومتر دورتر از ما‌ست. جان‌خون‌هاش از صای زنگ خونه، رنگ‌به‌رنگ شدنش وقت صحبت با تلفن، بغض تو مهمونی‌ها، این اشتهاپیش سر سفره غذا، حواس پرتی‌هاش موقع صحبت، همه و همه برای من آشنا بودند. اسفندما ۱۳۴۲ فرزندش به دنیا اومد. به خاطر دلی شهیدش اسبقواقتم گذاشتم؛ به‌نوزاد زینبا یا گونه‌های سرخ و موهای بر پشت مشکي. آقا حجت دوازدهمین روز تولد فرزندش اومد مرخصی. راز یزادی طی کرده خسته و خاکی بود. هر چی گفتیم کمی بره و خوابه و خستگی در کنه به خرچش نرفت که نرفت. در جواب مرتب تکرار می‌کرد: «حیف نیست بگیرم بخوایم و وقتمو هدر بدم؟» و نوشکفتهش رو تو آغوش گرفته بود و تکون تکون می‌داد که آروم بگیره.

روی‌خط‌زنان

■ **خلع‌لی: در وزارت کشور ستادی درباره حجاب تشکیل شده است**

انسیه خرعلی با اشاره به سخنان رهبر معظم انقلاب درباره حجاب گفت: برای اجرایی شدن قانون و امر رهبر معظم انقلاب، ستادی در وزارت کشور تشکیل شده است. وی در پاسخ به پرسش خبرنگاران در مورد وظایف معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده در این ستاد خاطر نشان کرد: این معاونت وظیفه اجرایی ندارد و فقط بخش‌های آموزشی، مهارت‌آموزی و پشتیبانی را در ستاد برعهده دارد. معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده افزود: مقام معظم رهبری به خوبی مشخص کردند که حجاب یک امر دینی است و همه در مجموعه‌های خود موظف هستند به ستاد حجاب کمک کنند.

■ **زنان پز شک: شورای عالی انقلاب فرهنگی برای حجاب راهبردارانه کند**

جمعی از بانوان پزشک، دندانپزشک و داروساز کشور در نامه‌ای به سران قوای سه‌گانه بر مقابله با گسترش اقدامات هنجار شکنانه بی‌سابقه در حوزه پوشش تأکید کردند. در این نامه خطاب به رؤسای قوه مجریه، قضائیه و مقننه و همچنین اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی آمده است:

طبق فرمایش مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولیت هدایت فرهنگی کشور، رصد دائم تغییرات فرهنگی جامعه و زندسای فرهنگی که ذیل آن تکالیف دستگاه‌های مختلف و تشکل‌های مردمی مشخص می‌شود، از جمله مهم‌ترین وظایف این شورا است، از این رو از اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی انتظار می‌رود در این برهه حساس، نسبت به این موضوع ورود فعالانه داشته باشند و راهبری دستگاه‌ها و تشکل‌های مردمی را در طراحی و اقدام متناسب با شرایط فعلی به عهده بگیرند.

رهبر معظم انقلاب، حضورشان در شورای عالی انقلاب فرهنگی، ضمانت اجرایی مصوبات شورا محسوب می‌شود، ملازم هستند ضمن حضور فعال در طراحی و تبیین راهبرد متناسب با شرایط، نسبت به اجرای فوری و قطعی آن اهتمام ورزند.

■ **حاج علی‌اکبری: دشمن می‌خواهد حجاب را به چالش سیاسی و امنیتی مبذل کند**

رئیس شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه گفت: دشمن تلاش دارد حجاب و عفاف را از یک موضوع فرهنگی به اجتماعی و سپس به چالش سیاسی و امنیتی مبذل کند اما شبکه‌کمند جامعه باید مواجهه پخته و عمیق با آن داشته باشد و ضمن برهیز از انفعال، از سطحی‌نگری و مواجهه احساسی خودداری کند.